

نقش اقشار و رده‌های بسیج در ترویج فرهنگ اسلامی-ایرانی پیشرفت

دکتر ابوطالب شفقت^۱

دکتر سید اصغر جعفری^۲

دکتر سعید چهرآزاد^۳

چکیده

توسعه یافتگی، به عنوان اتوپیای قرن حاضر، امری است که تمام دولت‌ها را در زمانه‌ی ما به خود معطوف کرده و همه ممالک، از آسیایی و آفریقایی و آمریکایی تلاش می‌کنند خود را هر روز به این مدینه فاضله نزدیک‌تر کنند و هر روز بیشتر به کشورهای توسعه یافته تشبه پیدا می‌کنند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) با هدف احیای تفکر دینی و حیات طیبه‌ی انسانی در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سیر حرکت تمدنی غرب را که مدعی بود دین در دوره‌ی جدید هیچ گونه جایگاهی ندارد، زیر سؤال برد. در مقابل مدل مفهومی «توسعه» مدل بومی «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» بر مبنای نظام تکوین یافته از انقلاب اسلامی مطرح می‌شود. حال در کنار این مدل بومی پیشرفت، نهاد منبعث از انقلاب اسلامی یعنی «بسیج» و اقشار و رده‌های آن چگونه و به چه صورت می‌توانند راه را برای پیشرفت مبتنی بر الگوی اسلامی و ایرانی هموار کنند، سوالی است که در این پژوهش و نگاره به دنبال پاسخگویی به آن هستیم. بسیج و اقشار و رده‌های آن به جای باور واره «توسعه» سعی دارد الگوی جایگزین پیشرفت را پی جویی کند و از این طرح به عنوان «تعالی» می‌توان یاد کرد. پارادایم «تعالی»، با هدف قرب انسان به خداوند متعال معرفی می‌گردد و چهارچوب شاخص‌گذاری برای آن، به عنوان جایگزین شاخص‌های موجود توسعه که میزان دستیابی بشر به رفاه مادی صرف را آن هم به صورتی ناقص اندازه‌گیری می‌کنند، ارائه می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: طرح، اسلام، ایران، بسیج، فرهنگ اسلامی-ایرانی.

۱- عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر
A_taleb20@yahoo.com

۲- دانشجوی عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر
jafari7647@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)
chehrazad.saeed@gmail.com

مقدمه

ابزار سازی و بهره‌گیری از همه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توسط بسیج و اقشار و رده‌های مختلف آن برای رشد و تعالی انسان‌ها و و طی کردن مسیر کمال در شرایط امروز کشور و منطقه و جهان که تجلی و نتیجه‌ی مدیریت راهبردی جامعه اسلامی است، عمده‌ترین هدف طراحی الگوی ایرانی-اسلامی می‌باشد.

با نگاهی جامع به این موضوع، یکی از مهمترین مسئله‌هایی که می‌تواند در راه ترسیم و تدوین الگوی اسلامی و ایرانی برای اقشار و رده‌های مختلف مانع ایجاد کند، عدم تفکیک ضرورت‌های عام (که در همه‌ی جوامع و کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد) و ضرورت‌های خاص (که شرایط ویژه‌ی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند) می‌باشد. عدم تفکیک چنین عرصه‌هایی بحران‌توریکی ایجاد می‌کند که نتیجه‌ی آن بی‌انضباطی در طراحی الگو و مدل برای اقشار و رده‌ها است. در راستای چنین انفکاک‌ی باید تمایز بین خصوصیت‌های الگوی ایرانی-اسلامی و الگوهای توسعه‌ی کاپیتالیستی غربی نیز تبیین گردد.

در زیر مجموعه‌ی مسائل و مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد و باید برای حل آن راه‌حل‌هایی ارائه گردد می‌توان به سه مورد دیگر اشاره کرد: الف) شفاف نشدن نیازها و خلاءهای نظری که اقشار و رده‌های مختلف بسیج باید نسبت به برطرف کردن آن‌ها تلاش کنند ب) مشخص نشدن خلاءها و کاستی‌هایی که نظام پژوهشی و دانشگاهی نسبت به آن بی‌توجه است و اقشار بسیج باید در صدد جبران آن‌ها باشند ج) روشن نشدن محتوای آموزشی و کاربردی برای آماده‌سازی نخبگان اجرایی و ارزشی برای ورود در مسئولیت‌های راهبردی که جوامع نخبگی بسیج باید چنین کاستی‌هایی را حل نمایند.

یکی از الزامات و البته مهجورات الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت همراه کردن نخبگان و سرآمدان آکادمیک با اندیشه‌های محوری در این حوزه است. اگر هسته‌ی اولیه‌ی نخبگانی که مأموریت یافته‌اند این مهم را تعقیب نمایند، تمهیدات مشخصی برای گسترش

روزافزون محدوده مشارکت نخبگان جامعه به عمل آورند و در عین حال بخواهند به تدریج با تضارب آراء، زمینه را برای نزدیک کردن فاصله نگاه‌ها با مبانی حاکم بر الگوی پیشرفت فراهم کنند، یکی از اولین و در عین حال مهم‌ترین قدم‌ها، تبیین و ترویج مجموعه ضرورت‌ها و آثار و فواید داشتن الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی در بین اقشار ورده‌ها (خصوصاً بدنه‌ی اجتماعی نخبگانی) می‌باشد.

تجربیات نظام برای کلان‌نگری‌های منجر به تدوین سند رسمی که سیر تکاملی هم داشته است، سطح علمی و تجربه کشور را به گونه‌ای چشمگیر و امیدوار کننده افزایش داده است ولی با این وجود به نظر می‌رسد هنوز خلأها و کاستی‌هایی در زمینه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در اقشار ورده‌های بسیج برای پیشبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارد که شاید مهمترین آن‌ها نبود واقعیت‌بیرونی است. وجود چنین خلأ و کاستی در اقشار مختلف، تدوین این پژوهش را بیش از پیش ضروری و لازم جلوه می‌دهد.

چهارچوب نظری

واژه گفتمان توسط یکی از مترجمان ایرانی، به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی دیسکورس^۱ پیشنهاد و در اندک زمانی استفاده از آن رایج شد؛ به گونه‌ای که حتی به سریال‌های تلویزیونی و محاورات رزومره مردم نیز راه یافت. در واژه‌نامه‌ها در مقابل دیسکورس علاوه بر گفتمان که کاربرد فنی‌تر آن در حوزه‌ی فلسفه و علوم اجتماعی است، به واژه‌های خطابه، گفتار و کلام نیز بر می‌خوریم که کاربردهای معمولی‌تر و البته پر سابقه‌تر این واژه را بیان می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲).

هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی است به مثابه برساختی اجتماعی. علی‌الاصول می‌توان با استفاده از ابزارهای گفتمانی هر پدیده اجتماعی را تحلیل کرد... از آنجا که نظریه گفتمان کانون توجه گسترده‌ای دارد می‌توان از آن به منزله بنیانی برای رویکردهای

^۱ Discourse

مختلف برساخت‌گرای اجتماعی به تحلیل گفتمان استفاده کرد. اما لاکلا و موفه در آثارشان به دنبال نظریه‌پردازی‌اند، به همین دلیل ابزارهای عملی چندانی برای تحلیل گفتمان‌های متن محور ارائه نمی‌کنند. در نتیجه، افزودن روش‌های متعلق به سایر رویکردهای تحلیل گفتمان به نظریه آن‌ها می‌تواند سودمند باشد. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۳)

نظریه گفتمان لاکلا و موفه ریشه در دو سنت نظری ساختگرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری دارد. مارکسیسم مبنای اندیشه اجتماعی را برای این نظریه فراهم می‌آورد، و زبان‌شناسی ساختگرای سوسور نظریه معنایی مورد نیاز این دیدگاه را در اختیار قرار می‌دهد. مطابق نظریه آن‌ها کل حوزه اجتماع به مثابه شبکه‌ای از فرآیندهای متفاوت است که در آن تولید می‌شود. (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۹۷)

اینک تبیین نظریه لاکلا و موفه را با توضیح مفاهیم اصلی و کلیات آن پیگیری می‌کنیم:

مفصل‌بندی: هر عملی که میان عناصر مجزا و پراکنده ارتباط برقرار کند، به نحوی که معنا و هویت این عناصر در نتیجه‌ی عمل فوق تعدیل شود (Laclau, et.al, ۱۹۸۵, p.۱۰۵).

گفتمان: کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن‌ها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جان را شکل می‌دهند. بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمانی، و لذا نسبی است. (حقیقت، ۱۳۹۱: ۵۹۹)

وقته‌ها: عبارت‌اند از موقعیت‌ها و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند. عناصری که قبلاً در حوزه گفتمانگی وجود

داشتند، به تدریج به درون گفتمان جذب و در واقع به وقته تبدیل می‌شوند. (منوچهری، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

عناصر: دال‌ها و نشانه‌هایی که معنای آن‌ها تثبیت شده نیست و گفتمان‌های مختلف سعی در معنا دهی به آن‌ها دارند. عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. (منوچهری، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

نقطه‌ی کانونی یا دال مرکزی: نشانه‌ای که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند که البته تثبیت معنای نشانه‌ها حول دال مرکزی به صورت موقتی صورت می‌گیرد (Laclau, ۱۹۸۵, p ۱۱۲).

زنجیره‌ی هم ارزی و تفاوت‌ها^۱: در عمل مفصل بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره‌ی هم ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی محتوا نیستند؛ یعنی به خودی خود بی معنایند تا اینکه از طریق زنجیره هم ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها از معنا پر می‌کنند ترکیب شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار گیرند که به نظر می‌رسد تهدید کننده‌ی آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره‌ی هم ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند و نظم و انسجام می‌بخشند. در هم ارزی، عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، فعال می‌شوند. مثلاً در واکنش به نژاد پرستی سفید پوستان، تمام افراد غیر سفید چه هندی تبار و چه آسیایی و آفریقایی و یا زن و مرد در زنجیره هم ارزی گفتمان سیاه قرار می‌گیرند و تفاوت‌های اصلی آن‌ها با یکدیگر فراموش می‌شود (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

مفهوم گفتمان در این نظریه کل جامعه و همه قلمرو زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد و طبعاً تحلیل گفتمانی آن‌ها نیز کل حوزه اجتماعی را شامل می‌شود؛ زیرا آن‌ها تمایز حوزه گفتمانی و غیر گفتمانی را نمی‌پذیرند. البته آن‌ها امر واقع را انکار نمی‌کنند.

^۱ Chain of equivalence and difference

آنچه به عنوان اقشار و رده‌های بسیج در ایران امروز مطرح است، در واقع، طیف نسبتاً وسیعی از طبقات گونه‌گونی است که به رغم تفاوت‌ها و تمایزهای نهادی، در گستره‌ی وسیعی دارای عمل اجتماعی مشترکی هستند.

در اینجا به صورت موردی به این اقشار اشاره می‌شود و سپس به بررسی هر کدام از آن‌ها و نقشی که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌توانند داشته باشند، پرداخته می‌شود.

بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی را می‌توان آوانگارد و پیشقراول کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قلمداد کرد. این قشر از اقشار بسیج، متصف به صفاتی چون «آستانه‌ی بالای تحمل و جذب» طوری که تفکراتی که در راستای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار داشته باشند را با امتزاج و ترکیب به سمت و سوی وحدت بخش سوق می‌دهند، «آستانه پایین دگر سازی و طرد» به گونه‌ای که طرد کردن گروه‌های جامعه را برای نیل به پیشرفت بومی مضر تصور می‌کنند و از آن دوری می‌نمایند، «استعداد بالای پیوست جمعی» به این معنا که اصل وحدت کلمه را سرلوحه اعمال خویش قرار می‌دهند و معمولاً کارهای مربوط به این الگو را با تاسی از باور-واره گی و جهاد انگاری با تکیه بر خرد جمعی پیش می‌برند، «استعداد پایین گسست فردی»، واژه و اصطلاح گسست اساساً در شریعت اسلامی از و جامعه ایرانی از جایگاه مثبت و قابل قبولی برخوردار نبوده و نیست، گسست‌های فردی باعث انشقاق در سطح جامعه می‌گردد و اگر این مسئله در فضای آکادمیک و دانشگاهی صورت بگیرد تأثیرات بسیار تأسف بار تری را به همراه می‌آورد. به لحاظ بنیادین نهاد دانشگاه و دانشجو به عنوان مهمترین کنشگر و بازیگر این نهاد از چنان تأثیرگذاری برخوردار است.

بسیج دانشجویی از مفصل بندی برخی نشانه‌های «خودباوری» و «اتکا به خود» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «تخصص» تأکید بیشتری دارد و خویشتن یابی را یادآور می‌گردد. «بسیج دانشجویی» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

طنینی مشابه باور-وراه گی و جهاد انگارگی بسیج دارد. «انسان سازی»، «جدیت» و «فداکاری» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «تخصص») محسوب می‌شود. در این قشر آستانه پایین تحمل و جذب، آستانه بالای دگر سازی و طرد، استعداد پایین پیوست جمعی و استعداد بالای گسست فردی می‌بایست به عنوان «اگیار گفتمانی»^۱ از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. در بسیج دانشجویی جایی برای بروز فردیت، انفعال و طرد بودگی وجود ندارد. زنجیره هم ارزی «بسیج دانشجویی» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل دستگاه فکری منسجم و انقلابی، جهادوارگی در استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های گردشگری برای جذب حداکثری و ترویج این الگو در سطح دانشگاه‌ها قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج دانشجویی

بسیج طلاب

روشن است که طلاب و حوزه‌ی علمیه بر اساس مأموریتی که رهبر معظم انقلاب در آغاز حکم خود برای راه اندازی مرکز تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اعلام کرده‌اند وظیفه دارد، برای تدوین الگو در سه محور زیر به فعالیت پردازد:

فراهم سازی مقدمات تدوین الگو

^۱ Others

توسعه گفتمانی

تولید علم

ولی آیا می‌توان از بسیج طلاب انتظار داشت که در همهٔ مسائلی که به تدوین الگوی ارتباط می‌یابد دخالتی هم تراز دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی داشته باشد؟ پیش از پاسخ به این پرسش، باید به این نکته توجه کرد که مبانی معرفتی که محورهای الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت به دلیل ریشه داشتن در آموزه‌های دینی جز از طریق طلاب و حوزه‌های علمیه نمی‌تواند پاسخ در خور بیابد و از دیگر سو، دیگر مبانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یعنی مبانی ناظر به وجه ایرانیت الگو و روش تدوین الگو در زمرهٔ مسائلی است که سایر اقشار بسیج از ظرفیت‌های پژوهشی خوبی برای پرداختن به آنها برخوردارند. طلاب حوزه‌ی علمیه که به تاسی از علما که از سرآمدان این حوزه بوده و هستند می‌توانند در قالب تشکیلات بسیج طلاب نظم نوینی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ایجاد کنند.

بسیج طلاب از مفصل بندی برخی نشانه‌های «توسعه گفتمانی» و «تولید علم» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «تدوین مبانی» تاکید بیشتری دارد و مشورت دهی در تدوین الگو را یاد آور می‌گردد. «بسیج طلاب» در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در ایران که زادگاه علمای بزرگ جهان اسلام است موید تکوین و تسری این مدل در فضای ادبیات دینی و شرعی می‌باشد. «تکوین الگو»، «توسعه گفتمانی» و «تولید علم» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «تدوین مبانی») محسوب می‌شود. در این قشر واگرایی سازمانی، عدم تعامل با علما و فضلا حوزه، تضاد بنیادین تئوریک می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج طلاب» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل تولید پرسش‌های خاص، تولید پاسخ‌های ویژه و تولید پاسخ‌های عام قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج طلاب

بسیج اساتید

این بحث را با طرح یک سؤال آغاز می‌کنیم. چرا در بحث الگوی پیشرفت باید به بسیج اساتید توجه کنیم؟ دلایل مختلفی در پاسخ به این سؤال وجود دارد. اول آنکه بین مأموریت محوری بسیج اساتید یعنی کمک به پیشرفت علمی کشور و اهداف الگوی پیشرفت یک هم‌سویی جدی وجود دارد. نکته دوم اینکه بسیج اساتید دریچه‌ی دسترسی به ظرفیت علمی کشور و پایگاه نیروهای صاحب نظر دلسوز و دغدغه‌مند محسوب می‌شوند. ساختار منعطف و غیر دولتی به همراه فضای غیر سوداگرانه و مبتنی بر خرد جمعی، توان بسیج اساتید را افزایش داده است. با توجه به اینکه الگوی پیشرفت باید از مسیر گفتمان‌سازی و اقناع جامعه‌نخبگانی محقق شود، بسیج اساتید بستر مناسبی برای شکل‌گیری این فضا محسوب می‌شود. یکی از عرصه‌های سازگار با اهداف الگو که بسیج اساتید می‌تواند در آن نقش‌آفرین باشند، حوزه‌ی ترویج تفکر علمی و خردورزی در جامعه است. تفکر و تعقل در قرآن و آموزه‌های دینی ما بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در مکتب اسلام یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت برتر است. فکر یکی از عرصه‌های اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز هست. بسیاری از صاحب‌نظران رمز شکوفایی تمدن اسلامی در

سده‌های سوم تا ششم هجری را حاکمیت فضای خرد ورزی در آن زمانه می‌دانند. اندیشه ورزی، منجر به نوآوری و خلاقیت و حاکمیت تفکر علمی در نظام برنامه ریزی و رهایی از سعی و خطا خواهد شد. این‌ها دستاوردهایی است که در عرصه ترویج و تعمیق تفکر علمی و خردورزی می‌تواند حاصل شود و بسیج اساتید در این عرصه‌ها کارآمد است.

بسیج اساتید از مفصل بندی برخی نشانه‌های «گفتمان سازی» و «اقناع جامعه نخبگانی» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «خردورزی» تاکید بیشتری دارد و ترویج تفکر علمی را یادآور می‌گردد. «رفع ابهام»، «بازتعریف علم» و «مستند سازی علم» از دال‌های شناور این گفتمان (درکناردال کانونی «خرد ورزی») محسوب می‌شود. در این قشر تشنت فکری، پسرفت علمی و ترجمه گرایی می‌بایست به عنوان «اغیارگفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم ارزی «بسیج اساتید» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل انباشت تجربه، فرهنگ جهادی در تولید علم و اخلاق حرفه‌ای قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج اساتید

بسیج فرهنگیان

دین و فرهنگ به عنوان بخش مهمی از مبانی تعلیم و تربیت مطرح می‌باشند. به همین دلیل، می‌توانند اهداف، و اصول تعلیم و تربیت و همچنین برنامه درسی را تحت تأثیر قرار

دهند. با توجه به این واقعیت، تبیین چگونگی ارتباط بین دین و فرهنگ توسط بسیج فرهنگیان و نقش آن در تکوین و تنقیح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از مهمترین موضوعات این قشر در مدار الگو محسوب می‌شود. از این رو، پرسش‌های قابل طرح عبارت است از اینکه بسیج فرهنگیان در ایجاد نسبت بین دین و فرهنگ چه نقشی می‌توان ایفا کند؟ با توجه به مفهوم پردازی‌های صورت گرفته و نوع ارتباط منطقی بین این مفاهیم، نقش مذکور کاملاً آشکار است.

بسیج فرهنگیان از مفصل بندی برخی نشانه‌های «معنویت» و «فرهنگ» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «تربیت دینی» تاکید بیشتری دارد و ترویج آموزه‌های اسلامی-شیعی را یادآور می‌گردد. «تربیت نسلی»، «نخبه پروری» و «مدرسه الگو» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «تربیت دینی») محسوب می‌شود. در این قشر اهمال کاری و توجه به مدل‌های سکولاریسته می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم ارزی «بسیج فرهنگیان» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل مدرسه‌ی مکتبی، تعلیم معنویت و آموزش اسلامی قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج فرهنگیان

بسیج خواهران

تشکل‌های مردمی در راستای پیشرفت اجتماعی یکی از ارکان مهم این فرآیند محسوب می‌شوند. بسیج خواهران به عنوان اولین و گسترده‌ترین تشکل مردمی زنان پس از انقلاب اسلامی در مراحل مختلف وظایف خطیری را به عهده داشته است، به ویژه در عرصه‌های علمی و فرهنگی طلایه دار حرکت‌های شورآفرین در دفاع از اسلام در حوزه مسائل زنان با تبیین دیدگاه‌های حضرت امام (ره) تلاش می‌کنند.

امروزه بسیج خواهران می‌تواند با فعالیت‌ها و اشتغال خود در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... یکی از مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قلمداد شود. بنابراین و در این راستا لازم است متناسب با استعدادهای بانوان زمینه‌ی مشارکت آن‌ها در عرصه‌های مختلف برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراهم گردد.

بسیج خواهران از مفصل‌بندی برخی نشانه‌های «فرهنگ فاطمی» و «فضائل اخلاقی» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «تحکیم بنیان خانواده» تاکید بیشتری دارد و احیای هویت زن مسلمان را یادآور می‌گردد. «تعمیق معنویت»، «بصیرت دینی» و «پرچمداری نهضت زنان» از دال‌های شناور این گفتمان (درکنار دال کانونی «تحکیم بنیان خانواده») محسوب می‌شود. در این قشر مدگرایی و فرهنگ مصرف‌گرایی غربی می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج خواهران» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل حجاب کامل اسلامی، خانواده‌گرایی و مصونیت هویت‌انگارانه قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج خواهران

بسیج جامعه پزشکی

پزشکی را می‌توان علم مراقبت از انسان نامید. بنابراین تا تعریف درستی از انسان نداشته باشیم قادر به مراقبت از وی نخواهیم بود. انسان در دیدگاه اسلامی دارای دو بعد جسمی و روحی است که طبیعت به بدن مادی او و غریزه و فطرت به روح او باز می‌گردد. اگرچه انسان دارای دو جنبه طبیعی و فرا طبیعی است، اما به این معنا نیست که این دو همسان و مساوی است، بلکه اصل انسان روح و فرع او که همواره پیرو اصل است، بدن اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۵).

همان‌طور که گفته شد، انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است. سلامتی هماهنگی و تعادل ابعاد جسمی، حسی، روانی، اجتماعی، مذهبی، عقلی و روحی است که فرد در حالی که بر امور محیط و زندگی خود مسلط است و توانایی سازگاری با تغییرات ایجاد شده را دارد به سمت زندگی متعهدانه برای خداوند حرکت می‌نماید. انسان به عنوان یک وظیفه دینی حرکت پویا و دائمی به سمت کمال تمامی این ابعاد را دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸:

حال با توجه به آنچه مطرح گردید نقش بسیج جامعه پزشکی در اعتلای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فراهم کردن سلامت جسم و روان برای افراد و کنشگران این مقوله می‌باشد تا بتوانند در این راستا امورات را به نحو احسن به پیش ببرند.

بسیج جامعه پزشکی از مفصل بندی برخی نشانه‌های «پرستاری حکیمانه» و «بهبود محیط فعالیت» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «سلامت» تاکید بیشتری دارد و چاره‌جویی پروراننده را یاد آور می‌گردد. «حکمت»، «فطرت» و «جسم و روح» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «سلامت») محسوب می‌شود. در این قشر توجه صرف به جسم و سلامت غیر حکیمانه می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج جامعه پزشکی» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل سلامت مذهبی، سلامت اجتماعی و عقل و قلب سلیم قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج جامعه پزشکی

بسیج جامعه مهندسی

بهره‌گیری از الگوهای اصیل اسلامی ایرانی با بنمایه طراحی قوی، سبب ساز پیشرفت حداکثری معماری ایرانی خواهد گردید. هدف بسیج جامعه مهندسی، تحلیل و به کار

گیری سنت‌های پیامبراسلام (ص) در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی، جهت به کار گیری در معماری مسکن معاصر و در نهایت پیشرفت طرح معماری مسکن معاصر با انطباق حداکثری با الگوهای اسلامی ایرانی، می‌باشد.

سنت معماری ایرانی و اسلامی از مفاهیم جاودان الهی و تعالیم روح بخش اسلامی و آموزه‌های معنوی به عالی‌ترین شکل ممکن سود می‌جوید (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳: ۵۹). مراد از سنت در معماری سنتی ایرانی-اسلامی؛ عبارت از اصول و ارزش‌هایی است که اولاً لایحه در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان بینی اسلامی-ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تکامل دائمی، هدایتگر و راهنمای پدیدآوردگان آثار برجسته معماری و شهری بوده و ثالثاً لایحه می‌توان به عنوان اصولی ثابت از آن‌ها یاد کرد (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۸۰).

بسیج جامعه مهندسی از مفصل بندی برخی نشانه‌های «سنت معماری» و «عمران معطوف به طبیعت» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «هنر قدسی» تاکید بیشتری دارد و شهر اسلامی-ایرانی را یادآور می‌گردد. «فرهنگ سکونت»، «شهرسازی مقدس» و «توجه به محیط زیست» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «هنر قدسی») محسوب می‌شود. در این قشر معماری غربی و هنر لیبرالیستی می‌بایست به عنوان «اغیارگفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج جامعه مهندسی» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل توجه به حریم خصوصی، حفظ ساختمان سنتی شهر و صرفه جویی در استفاده از مصالح قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج جامعه مهندسی

بسیج اصناف

یکی از عرصه‌های مهم در ساحت پیشرفت، عرصه کسب و کار در منظومه اقتصاد و تأثیر اخلاق و معنویت بر آن است. بنا بر آموزه‌های توحیدی اسلامی انسان موجودی اجتماعی است. انسان‌ها قسمت اعظم نیازها و احتیاجات خود را از طریق کار گروهی و در اجتماع تأمین می‌کنند. اگر افراد جامعه‌ای بتوانند کسب و کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علائق آن‌ها باشد، زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت خود و جامعه، هم در ابعاد معنوی، اخلاقی و سلوکی و هم ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید.

در زمینه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بسیج اصناف وظیفه دارد کسب و کار را مطابق با این مدل و الگوی بومی پیشرفت پیش ببرد. در اینجا منظور از الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار، سرمشق یا چهارچوب و شیوه حرکت و عمل برای حصول به اهداف ترسیم شده در عرصه اقتصاد، کار و تولید است که متناسب با سوابق فرهنگی ملی و موافق با روح تعالیم دین ما است و می‌توان نشان دین را از آن یافت.

بسیج اصناف از مفصل بندی برخی نشانه‌های «جوانمردی» و «احسان» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «برکت مال» تاکید بیشتری دارد و فرهنگ کار مضاعف را یادآور می‌گردد. «سودمندی اجتماعی»، «کمک به فقرا» و «کسب حلال» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «برکت مال») محسوب می‌شود. در این قشر رخوت و سستی می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم ارزی «بسیج اصناف» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل توجه به توحید محوری، اخلاق گرایی و مراعات حقوق مالی-شرعی کسب و کار قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج اصناف

بسیج هنرمندان

پرواضح است که بین هنر و فرهنگ رابطه‌ای وثیق و وزینی وجود دارد. از این رو هنرمندان می‌توانند حاملان مهم فرهنگ بومی باشند و از فرهنگ وارداتی دوری گزینند تا بتوانند در تکوین و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقش مثمر ثمری را ایفا کنند. به عبارتی در عملیاتی کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط بسیج هنرمندان باید به برخی از ملاحظات توجه کرد، برخی از آن‌ها عبارت است از: توسط هنرمندان ایرانی

طراحی شود، برآمده از بطن نیازهای بومی باشد، ارزش‌های اسلامی در آن حاکم باشد و برنامه ریزی برای پیشرفت باید به ابعاد مادی و معنوی به صورت توأمان توجه شود.

بسیج هنرمندان از مفصل بندی برخی نشانه‌های «هویت بومی» و «هنجارهای اخلاقی» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «سینمای انقلابی» تاکید بیشتری دارد و روحیه خودباوری را یادآور می‌گردد. «الگوی مثبت اسلامی»، «عفت حرفه‌ای» و «مردم داری» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «سینمای انقلابی») محسوب می‌شود. در این قشر تجمل‌گرایی، رواج بی بند و باری و مد مداری می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج هنرمندان» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل عدم توجه به مدل‌های غربی، سینمای اسلامی و توجه به معنویات قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج هنرمندان

بسیج ادارات

به دلیل ماهیت مذهبی و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، نهادها، سازمان‌ها و ادارات مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مورد تاخت و تاز دشمنان اسلام و انقلاب قرار گرفت تا خواستگاه اسلام مقدس و انقلاب شکوهمند را متزلزل کنند. لذا با این تجارب و تفاسیر مربوط به آن «بسیج ادارات» در راستای عملیاتی نمودن فرهنگ اسلامی در

عرصه‌های متعدد و سازماندهی و تقویت و حمایت از نهادهای جمهوری اسلامی ایران، متولی اجرایی این امر مهم در کشور برآمد. برخورد با پدیده‌ی فساد اداری در راستای نیل هر چه سریع‌تر به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز یکی از رسالت‌های مهم بسیج ادارات محسوب می‌شود.

بسیج ادارات از مفصل‌بندی برخی نشانه‌های «وجدان کاری» و «رشد سازمانی» حاصل شده است. در میان همه‌ی افشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «فساد ستیزی» تاکید بیشتری دارد و روحیه دفاع از ارزش‌ها و هنجارها را یاد آور می‌گردد. «نیروی انسانی قوی»، «انگیزش نهادی» و «تکریم ارباب رجوع» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «فساد ستیزی») محسوب می‌شود. در این قشر اهمال کاری، عدم تقید به مکانیسم‌های اداری و رفاه طلبی می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم ارزی «بسیج ادارات» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل توجه به کیفیت امور پرسنلی، تخصص محوری و مطالعه مستمر قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج ادارات

بسیج سازندگی

پیشرفت‌های علمی بشر در دهه‌های اخیر، بعضاً سبب شده است که بشر دچار غرور گشته و به جنگ طبیعت رفته و تلاش نماید تا همه مسائل و مشکلات را با عینک فنی-مهندسی حل نماید. این دیدگاه سبب شد که در زمینه توسعه روستایی و تهیه طرح‌های عمرانی، کشاورزی و منابع طبیعی نیز برنامه ریزی بالا به حاکم شود. در این رویکرد بدون توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ و آداب و رسوم مردم محلی و بهره برداران از این طرح‌ها و پروژه‌ها، نسخه‌های را برای سازندگی و پیشرفت منطقه تهیه و به مردم مسئولین محلی واگذار کردند.

بسیج سازندگی با دقت و توجه کافی، ضمن پی بردن به چنین مشکلاتی، علل شکست پروژه‌های عمرانی و سازندگی را با رویکرد جامع‌نگری و کل‌نگری مورد شناسایی قرار داده و سعی کرده است دیدگاه توحیدی-اسلامی و بومی را در طراحی پروژه‌ها لحاظ کند. بسیج سازندگی از مفصل بندی برخی نشانه‌های «بوم‌گرایانه» و «توسعه مشارکتی» حاصل شده است. در میان همه‌ی اقشار و رده‌ها، این قشر از بسیج بر «طرح‌های عمرانی» تاکید بیشتری دارد و مشارکت مردمی در این زمینه را یاد آور می‌گردد. «توسعه درونزا»، «جامع‌نگری» و «کل‌نگری» از دال‌های شناور این گفتمان (در کنار دال کانونی «طرح‌های عمرانی») محسوب می‌شود. در این قشر پروژه‌های وارداتی، عدم تناسب فرهنگی-بومی و نگاه بالا به پایین می‌بایست به عنوان «اغیار گفتمانی» از عرصه‌ی اجتماع این رده خارج شود. زنجیره هم‌ارزی «بسیج سازندگی» در کمک به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را می‌توان شامل توجه به سنت‌های اجتماعی، عمران در کنار توجه به حفظ محیط زیست و عمل علم محورانه قلمداد کرد.



مفصل بندی نقش بسیج سازندگی

نتیجه‌گیری

بسیج و اقشار و رده‌های آن، همانطور که در متن به تفصیل به آن پرداخته شد به این مسئله مقید بودند که اجماع بر اصول و قواعد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند ایران را به یک جامعه همه‌جانبه تبدیل کند. بررسی همه‌ی اقشار نشان داد که جامعه جمع‌جبری افراد به تنهایی نیست؛ بلکه گروه‌های انسانی و قشری به عنوان کانون توسعه، پیشرفت و جامعه‌پذیری محسوب می‌شوند. نشان داده شد که اگر اقشار و رده‌ها محتوای روابط اجتماعی خود را مبتنی بر اصول سنتی اسلامی و ایرانی بنا نهند، در آن صورت می‌توانیم افق نیل به پیشرفت با مدل بومی را نوید بدهیم.

به وسیله روش کیفی تحلیل گفتمان نشان داده شد مهمترین اقشار بسیج که می‌توانند برای رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مثر ثمر باشند، چگونه باید گفتمان‌سازی کنند تا گذار به توسعه درون‌زا و بومی را محقق سازند. وجه مشترک گفتمان‌سازی همه اقشار این بود که روابط اجتماعی و پیشرفت محور باید مبتنی بر اصول دینی و سنتی طراحی شود و تا امکان دارد از دیسپلین‌های مدرنیسم غربی فاصله گرفته شود. در این مورد مشخص فرآورده‌های عقلانی جامعه غرب و در رأس آن مدل توسعه، ساختار و

روابط محتوای جامعه را مطابق با خواست‌های تمدن غربی طراحی کرده و استفاده از الگوهای آنها، جامعه ما را به یک جامعه مادی و غیر دینی تبدیل خواهد کرد. اگر مدرنیته در الگوی صنعتی و تعریفی که از رفاه طبیعی انسان می‌کند پذیرفته شود، در همه حوزه‌ها بایستی پذیرفته شود.

نیل به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند تبدیل ویژگی‌ها و مشخصه‌های توسعه به شاخصه‌های کیفی و قابل کنترل است تا بتوان جهت حرکت برنامه و طرح‌ها را با این مقیاس‌ها و سنجه‌ها کنترل و بهبود آن را از دولتمردان مطالبه نمود ولی با توجه به رقابتی بودن دنیای امروز، علاوه بر تلاش برای انطباق حداکثری الگوی اداره جامعه با موازین و آموزه‌های اسلام، بایستی الگویی طراحی شود که قدرت رقابت با مدل توسعه غربی را نیز در عرصه عمل داشته باشد، امری که اقشار و رده‌های بسیج با تاسی از مشخصه‌های مذکور می‌توانند آن را محقق سازند.



منابع

- ۱) آبر کرامبی، نیکلاس وهمکاران (۱۳۷۰). **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه حسن پویان، تهران: چاپخش.
- ۲) آشوری، داریوش (۱۳۸۴). **فرهنگ علوم انسانی**، تهران: مرکز.
- ۳) آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵). **تحلیل انتقادی گفتمان**، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴) آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۴). «حکومت‌مندی»، **نشریه گفت و گو**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌نیده، شماره ۴۴، آذر.
- ۵) اسمارت، بری (۱۳۸۵). **میشل فوکو**، ترجمه لیلیا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
- ۶) توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹). **نظریه‌های جامعه شناسی**، تهران: سمت.
- ۷) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). **اسلام و محیط زیست**، چاپ چهارم، قم: نشر اسراء.
- ۸) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). **انسان از آغاز تا انجام**، چاپ اول، قم: نشر اسراء.
- ۹) حسین زاده، محمود (۱۳۸۳). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۸: ۲۱۲-۱۸۱.
- ۱۰) حسینی، مرتضی (۱۳۰۷ ق). **تاج العروس**، چاپ مصر.
- ۱۱) حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۹). **اسلام سیاسی در ایران**، قم: دانشگاه مفید.
- ۱۲) حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱). **روش شناسی علوم سیاسی**، قم: دانشگاه مفید.
- ۱۳) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول از دوره جدید.
- ۱۴) رابینو، پل و هیوبرت دریفوس (۱۳۷۶). **میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک**، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- ۱۵) روشه، گی (۱۳۷۹). **کنش اجتماعی**، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۶) ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). **دایرةالمعارف علوم اجتماعی**، تهران: کیهان.
- ۱۷) سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴). **قدرت، گفتمان و زبان**، تهران: نی.

۱۸) فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه گروه مترجمان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۱۹) فوکو، میشل (۱۳۸۳). **اراده به دانستن**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.

۲۰) محسنی، محمدرضا (۱۳۸۹). **پان ترکیسم، ایران و آذربایجان**، لنگرود: انتشارات سمرقند.

۲۱) مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). **انسان شناسی در قرآن**، چاپ اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۲) منوچهری، عباس (۱۳۹۲). **رهیافت و روش در علوم سیاسی**، تهران: سمت.

۲۳) مهدوی نژاد، محمد جواد. (۱۳۸۳). «حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت‌های

معنوی معماری اسلامی ایران»، **نشریه هنرهای زیبا**، ش ۱۹، ۶۶-۵۷.

۲۴) میلز، سارا (۱۳۸۲). **گفتمان**، ترجمه فتح محمدی، زنجان: هزاره سوم.

۲۵) نش، کیت (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

۲۶) نقی زاده، محمد. (۱۳۷۹). «رابطه هویت "سنت معماری ایران" با "مدرنیسم" و "نوگرایی"»، **نشریه هنرهای زیبا**، ش ۷، ۹۱-۷۹.

۲۷) هیندس، باری (۱۳۸۰). **گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو**، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: شیرازه.

۲۸) وارد، گلن (۱۳۸۴). **پست مدرنیسم**، ترجمه علی اصغر خبره زاده، تهران: ماهی.

۲۹) وبر، ماکس (۱۳۷۴). **اقتصاد و جامعه**، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: مولی.

۳۰) یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز (۱۳۸۹). **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی آجیلی، تهران: نشر نی.

۳۱) BARTALANFFY, L (۱۹۶۹). *General System Theory: Foundations, Development, Applications* New York, Braziller.

۳۲) HALL, A (۱۹۶۸). *A Methodology for Systems Engineering*, D. Van Nostrand Compnay.

۳۳) WILSON, B (۲۰۰۰). *Systems: Concepts, Methodologies, and Applications*, Wiley.

۳۴) Beck, U (۱۹۹۴). *Self-dissolution and Self-endangerment of Industrial Society: what does it Mean*, Polity press: Cambridge

۳۵) Fairclough, N (۱۹۸۹). *language and power*, London: routledge

- ۳۶) Fairclough, N (۲۰۰۰). New Labor, New language, London: routledge
- ۳۷) Fairclough, N (۲۰۰۳). Analysis Discourse, London and New york: routledge
- ۳۸) Gee, G. P (۲۰۰۰). An Introduction to Discourse Analysis, London: routledge
- ۳۹) Gutting, G (۲۰۰۵). Foucault, New York: oxford university press
- ۴۰) Jorgensen, M. and Philips, L (۲۰۰۲). Discourse Analysis as Theory and Method, London: Sage Publication.
- ۴۱) Laclau, E. and Mouffe, C (۱۹۸۵). Hegemony and Socialist Strategy: towards a Radical Democratic Politics, London: Verso
- ۴۲) Schiffrin, D (۱۹۹۴). Approaches to Discourse, Oxford and Cambridge: Blackwell
- ۴۳) Staheli, U (۲۰۰۴). Competing Figures of the Limit: Dispersion, Transgression, Antagonism and Indifference, London and New york: routledge.

